



Ethics in the Domain of International Obligations*

Hamidreza Toosi ¹

Abstract

According to the Quranic commentators' point of view in the domain of international contractual relations, rules mixed with legal values have been legislated in the Holy Quran. According to commentators, the basis of legal justification of obligations arising from international commitments is the value of nature. In this view, the value of nature is the criterion for measuring the validity of the content of international "legal provisions". In this article, it was proved by the method of legal interpretation that the commentators, according to the divine verses, have this opinion that the moral basis of nature is in the three concepts of the good of keeping the promise, the badness of breaking the contract, and the good of exchange justice, which are effective in determining the scope of the implementation of regulations.

Keywords: Commentators' Viewpoint, Nature, Law of Contract, The Rule of Keeping the Promise, The Realm of International Obligations.

*. **Date of receiving:** 11 April 2022, **Date of approval:** 25 June 2022.

1. Assistant Professor, Al-Mustafa International University - Quran and Hadith Higher Educational Center- Department of Quran and Sciences; (hrtoosi123@gmail.com).



اخلاق محوری قلمرو تعهدات بین المللی*

حمیدرضا طوسی^۱

چکیده

بر اساس دیدگاه مفسران در حوزه روابط قراردادی بین المللی، در قرآن کریم قواعد آمیخته با ارزش های حقوقی تشریح شده اند. در دیدگاه مفسران، مبنای توجیه حقوقی تعهدات ناشی از معاهدات بین المللی، ارزش فطرت است. در این دیدگاه، ارزش فطرت معیار سنجش اعتبار محتوای «مقررات حقوقی» بین المللی است. در این نوشتار به روش تفسیر حقوقی اثبات شد که مفسران با توجه به آیات الهی بر این رأی هستند که مبنای اخلاقی فطرت در سه مفهوم حسن وفای به عهد، قبح پیمان شکنی، حسن عدالت تبادلی، در تعیین قلمرو اجرای مقررات تأثیرگذار است.

کلیدواژگان: دیدگاه مفسران، فطرت، حقوق معاهدات، قاعده وفای به عهد، قلمرو تعهدات بین المللی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۲ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴.

۱. استادیار جامعة المصطفى ص العالمية، مدرسه عالی قرآن و حدیث، گروه قرآن و علوم؛ (hrtoosi123@gmail.com).



مقدمه

کلیات ارزش‌های اخلاقی - که قلمرو حداقلی اخلاق را تشکیل می‌دهند - بدون گزاره‌های دینی قابل تشخیص هستند، ولی درک بسیاری از مصادیق و جزئیات احکام اخلاقی وابسته به آموزه‌های دینی است (خسروپناه، رابطه دین و اخلاق در قرآن، ۱۳۹۱: ۵۱). از همین رو یکی از کارکردهای دین، تبیین ارزش‌های اخلاقی و رفتاری است (مصباح‌یزدی، دین و اخلاق، ۱۳۸۷: ۳۴/۱).

روایت نبوی (کلینی، کافی، ۱۳۶۳: ۳۲/۱)؛ نیز با بیان دسته‌بندی علم واقعی به سه قسم آی‌ه محکم، فریضه عادلانه، سنت پابرجا، آمیختگی اخلاق و فقه (حقوق اسلامی) را تأیید می‌کند. بر اساس این آموزه نبوی، بازگشت همه تعالیم شرع به این علوم است (فیض کاشانی، الاصفی فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۸: ۱۳۴/۱-۱۳۳)؛ و گزاره‌های دینی به سه گروه عمده عقائد، اخلاق و فقه (حقوق اسلامی) تقسیم می‌گردند (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴: ۲۲۳/۲)؛ این سه در ارتباطی منسجم و هماهنگ هستند.

حال پرسش این است که در دیدگاه مفسران و حقوق بین‌الملل، قیود ارزشی در تعیین قلمرو تعهدات بین‌المللی چه نقشی ایفا می‌کنند؟

در ذیل پس از مفهوم شناسی، تاثیر مبنای اخلاقی «قاعده وفای به عهد» بر حقوق معاهدات از دیدگاه آموزه‌های وحیانی، بر اساس روش تفسیر حقوقی تبیین می‌گردد.

الف. مبانی نظری تحقیق

۱. ارزش گذاری حقوقی قرآنی

با توجه به دسته بندی کلی از مفاهیم ارزشی (باید و نباید، صواب و خطا و وظیفه که از مفاهیم تکلیفی یا الزامی اند و خوب و بد) (مصباح‌یزدی، نظریه حقوقی اسلام، ۱۳۸۹: ۲۵)؛ گزاره‌ای اخلاقی است که در محمول آن یکی از مفاهیم هفت گانه یاد شده به کار رفته باشد (مسعود، فلسفه اخلاق در ایران معاصر، ۱۳۸۸: ۵۰۸؛ مصباح‌یزدی، فلسفه اخلاق، ۱۳۸۷: ۲/۶۵-۵۳). سایر مفاهیم به یکی از مفاهیم هفت گانه بالا ارجاع داده می‌شوند.

قرآن یکی از شیوه‌های چهار گانه «طرفداری و مخالفت الهی»، «گزاره‌های انشایی»، «گزاره‌های اخباری با محمول ارزشی» و «تصویب و تخطئه» برای بیان گزاره‌های اخلاقی به کار رفته است (سراج‌زاده، موضوع‌شناسی گزاره‌های اخلاقی، ۱۳۹۰: ۸۸). چنان که تعبیر ارزشی «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ» در دو آیه ۴ و ۷ سوره توبه که وصفی ارزشی و مدح‌کننده وفاکنندگان به پیمان هست و یا عبارت ارزشی «وَ أَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ» در آیه ۸ همان سوره به‌طور سلبی ناقضان عهد را سرزنش می‌کند. به عبارت روشن‌تر در قرآن کریم احکام حقوقی - فقهی برای اجرای وفای به عهد آمیخته با ارزش‌ها، به‌کار رفته‌اند.

۲. فطرت، مبنای ارزشی حقوق معاهدات

در دانش حقوق برای مبانی نظام حقوقی تعاریف گوناگونی ارائه شده است. یکی از کاربردهای «مبانی حقوق» (Fundamental of law) در ادبیات حقوقی دو تعبیر برای این مفهوم به کار می رود: «نیروی الزام آور حقوقی» (کاتوزیان، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، ۱۳۷۹: ۱۹-۱۸)، دلیل اعتبار و مشروعیت قاعده و نظام حقوقی (حکمت‌نیا، مبانی مالکیت فکری، ۱۳۸۹: ۶۴). در تعریف نخست، مبنا در برابر پرسش از چرایی الزام آور بودن قاعده حقوقی قرار می‌گیرد و در دومی در برابر پرسش از چرایی اعتبار قاعده و یا نظام حقوقی. تعاریف دیگر یعنی اصل عدم ولایت افراد جامعه بر یکدیگر و اصل فوری بودن اختیارات از مبانی حقوقی در حقوق مدنی (جعفری‌لنگرودی، دوره مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ۱۳۸۸: ۳۱۸۹)؛ و پاسخ به چرایی یک قاعده و حکم (حاجی‌ده‌آبادی، جبران خسارت بزه، ۱۳۸۸: ۷۷۱)؛ مفاهیمی محدود دارند. با توجه به مسئله این نوشتار، دو مفهوم نخست از مفهوم «مبانی» مراد است.

بنابر دیدگاه پاره‌ای از مفسران، قواعد نظام حقوق معاهدات آمیخته به ارزش‌های اخلاقی است (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۲۳۵). به عبارت روشن‌تر آمیختگی دستورات عملی با توصیه‌های اخلاقی، حکمتی الهی برای تأمین مصالح عمومی بشر و اصلاح مفسدات است که هم جزو غرض دین و هم برآورده کننده سعادت زندگی انسان است؛ زیرا صرف التزام به احکام فقهی و جمود به ظواهر هر دو غایت را از بین می‌رود و با این کار در حقیقت آیات خدا مسخره می‌گردد (همان). به عبارت دیگر قیود ارزشی در کنار قواعد حقوقی ناظر به مصالح و مفسدات و حکمت وضع قواعد و چگونگی رسیدن به غایت را نشان می‌دهند.

«فطرت»، مبنای مهم قرآنی نظریه پردازی‌ها حوزه‌های مختلف دینی، تبلور دهنده ارزش‌های اخلاقی در ساحت قواعد حقوقی است. اصلی‌ترین مدرک و حجت دینی نظریه «فطرت» آیاتی از قرآن کریم به ویژه ۳۰ سوره روم بوده است. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَیْمُ وَ لَکِنْ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ» این آموزه قرآنی به وسیله روایات متعددی مورد تأکید قرار گرفته است. مثلاً در روایت: کل مولود یولد علی الفطرة و انما ابواه یهودانه و یمجسانه و ینصرانه (کلینی، الکافی، ۱۳۶۳: ۱۳/۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴: ۲۸۱/۳، ۲۲: ۲۷۹، ح ۱۱، ۳۹: ۳۲۸، ح ۲۷)؛ و یا مثل امام علی (علیه السلام) که می‌فرماید: «... فَبَعَثَ فِیهِمْ رُسُلَهُ، وَ اتَرَ إِلَیْهِمْ أَنْبِیَاءَهُ، لَیْسَادُوهُمْ مِثَاقَ فِطْرَتِهِ، وَ یَذْکُرُوهُمْ مَنَسِیَ نِعْمَتِهِ، ...».



برای درک این آموزه قرآنی و تفاوت آن با دیدگاه حقوق بین الملل شایان ذکر است که عهدنامه وین مربوط به حقوق معاهدات (۱۹۶۹) که اجرای وفای به عهد قاعده بنیادین این نظام حقوقی است، اشارات ارزشی عام در مقدمه عهدنامه وین مانند «صلح و امنیت بین المللی»، «همکاری صلح آمیز میان اعضا»، «ارتقای اهداف سازمان ملل متحد مندرج در منشور ملت ها»، اصل حسن نیت در حقوق معاهدات و... همگی در راستای کارکرد بهتر و نه عادلانه تر و اخلاقی تر تفسیر می گردند. این اشارات اخلاقی مبنای آمیختگی اخلاق و حقوق نیستند.

از نظر آنها حقوقدانان بین الملل، ارزش های حقوقی تنها می توانند به نظام حقوق بین الملل برای کارکردی بهتر کمک کنند (Aspremont, 2007: 239). این برداشت بدین معناست که ارزش های جهانی در چارچوب توجیهی مقررات این معاهده، جایی ندارد.

در دیدگاه قرآنی و در یک تقریر ساده «نظریه فطرت» مدعی است که انسان ها نوع واحد و دارای ماهیت مشترک می باشند و بر اساس این ماهیت آنها دارای ویژگی ها و لوازمی در تمام افراد و جوامع هستند که محصول اکتساب نیستند (جوادی آملی، فطرت در قرآن و تفسیر موضوعی، ۱۳۷۸: ۱۸۹-۱۹۰؛ مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۹: ۳/ ۷۶۸؛ رشاد، فطرت به مثابه دال نبی، ۱۳۸۴: ۹).

در نظریه پردازی های عالمان مسلمان، این آموزه الهی به شکل نظریه های علمی ارائه گردیده است. به عنوان نمونه شاه آبادی باورهای کلامی شیعه را بر پایه نظریه فطرت بنا نهد (شاه آبادی، الانسان والفطره در شحات البحار، بی تا: ۳۵-۳۷) همچنین «تحلیل رابطه نبوت با فطرت انسانی»، «بیان تئوریک از وجود گزینه استخدام در انسان و تحلیل خاص از اجتماعی بودن انسان در پرتو آن» و «تحلیل «رابطه عدالت و فطرت» همگی از ارائه مقوله «فطرت» در قالب نظریه ای تفسیری توسط علامه طباطبایی خبر می دهد (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۲/ ۱۵۱-۱۵۲، ۶: ۲۰۵-۲۰۶).

در نظریه اخیر رابطه میان فطرت و «حسن وفای به عهد و قبح نقض عهد»، قالبی تئوریک یافته است و در سراسر این کتاب تفسیری بر اساس به کارگیری همین منطق آیات مربوطه تفسیر می گردند. چنانکه در ذیل آیه اول سوره مائده که امر بر وفای به عقود شده، گویای مبنای فکری ایشان در این مسئله است: «... لحن آیات و بیاناتی به گونه ای است که به فطری بودن خوبی وفای به عهد و زشتی عهدشکنی دلالت دارد...» (همان: ۱۵۹/۵).

در دانش حقوق نیز می توان برخورداری انسان ها از ویژگی های فطری را در نظریه های متعدد و متنوع مکتب «حقوق طبیعی» مشاهده کرد. در تاریخ دانش حقوق این مکتب نه تنها در نظریه های دینی و الهی، بلکه در چارچوب عقل مدار سکولار نیز مطرح بوده است تا جایی که پاره ای از اثبات گرایان نیز به طور ضمنی اعتقاد خود را به برخی از قواعد حقوق طبیعی ابراز کرده اند. سابقه نظریه حقوق طبیعی به دوران یونان باستان باز می گردد (Gilbey, 1958: 289).

در دوران معاصر نیز دیدگاه‌های علمی قابل دفاعی نیز درباره این اصول پرداخته شده‌اند. گروسیوس حقوقدان مشهور دوران رنسانس معروف به پدر حقوق بین‌الملل، بر این رأی بود که حقوق، اصول خود را از بدیهیات اولیه که فطری انسان است می‌گیرد (قربان‌نیا، قرائت‌های گوناگون از حقوق طبیعی، ۱۳۸۳: ۴۳؛ موحد، در هوای حق و عدالت، از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، ۱۳۸۱: ۱۵۸). این نظریه‌ها در این نکته مشترکند که اصول این حقوق در همه زمان‌ها و مکان‌ها یکسان هستند و در تفسیرهای گوناگون این مکتب حقوقی با مصادیق متعدد و متفاوت می‌توان سه مشخصه را مشاهده نمود: جهانی بودن، ضرورت و ثبات. چنان‌که وجود قوانین جهان شمول دلیلی بر وجود امور فطری قلمداد گشته است (رشاد، فطرت به مثابه دال دینی، ۱۳۸۴: ۱۵) از مصادیق بارز این سرشت الهی ارزش جهانی «حسن وفای به عهد» است که اصول آن در همه زمان‌ها و مکان‌ها یکسان است (قربان‌نیا، قرائت‌های گوناگون از حقوق طبیعی، ۱۳۸۳: ۹۴).

حال این پرسش مطرح می‌گردد که فطری بودن «لزوم وفای به عهد» و بالتبع آن «قبیح پیمان شکنی» در حقوق معاهدات از نظر آموزه‌های قرآنی چه مفادی دارد؟

۳. نظریه فطرت و حقوق معاهدات

بر اساس اصل فطرت اجتماعی «استخدام»، در دیدگاه تفسیری علامه طباطبایی فرض بر خورداری دولت‌ها از شخصیت حقوقی از نظر قرآن، تجلی خاستگاه «وفای به عهد» (و «قبیح پیمان شکنی») در معاهدات بین‌المللی است.

بر اساس آیه ۲۱۳ سوره بقره انسان در قدیم‌ترین عهدش امتی واحده و ساده و بی‌اختلاف بوده، سپس اختلاف در بین افرادش پیدا شد که علت آن مربوط به فطرت انسان هاست.

﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ، وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ﴾ (بقره/۲۱۳).

از صدر آیه برم آید مردم در وضعیت اولیه امت واحده بودند، هنوز انبیای صاحب کتاب میان آنها برانگیخته نشده بودند. واژه امت واحده ظاهراً اشاره به همین وضعیت تاریخی اولیه حیات بشری دارد (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۴: ۲/۱۹۰). با توجه به موضوع موردنظر در ادامه آیه «مسئله بعثت پیامبران» روشن می‌شود که این امت واحده دین و شریعت مشخصی نداشته‌اند و چنان‌که بسیاری از مفسران گفته‌اند، این وحدت ناظر به شکلی بسیط و اولیه از حیات جمعی است (ثعلبی نیشابوری، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ۱۴۲۲: ۲/۱۳۲). به نظر می‌رسد بر اساس پاره‌ای از آیات قرآن، نخستین پیامبر اولوالعزم حضرت نوح علیه السلام بوده است.



﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَّبِعُوا فِيهِ كِبْرًا عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ﴾ (شوری/۱۳) از نظر مفسران اختلاف در این آیه در دو سطح به کار رفته است (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۱۸/۲).

زیرا در این دیدگاه اخیر «ناس» در صدر آیه افرادی هستند که صراحتی درباره هدایت و ضلالت آنان در کار است بلکه لفظ امت واحده دلالت بر اتحاد آنان بر یک دین و آیین و طریق دارد، که ظاهراً همان طریق فطرت است، و وحدت ایشان پیش از بعثت انبیای صاحب کتاب رخ داده است. البته همان فطرت موجب از بین رفتن «وحدت» و ظهور اختلاف نخست گردیده است.

آیه ۱۹ سوره مؤید همین معناست. ﴿وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً، فَاخْتَلَفُوا، وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾.

اختلاف نخست با تکیه صرف بر فطرت اولیه پدید آمد که در دیدگاه تفسیری علامه اعتبار «استخدام» نام دارد. بر اساس نظریه استخدام که هر کس در پی به خدمت گرفتن همه امکانات موجود به سود خویش است. بنابر مشابهت تمامی انسان‌ها در منفعت طلبی، ضرورت اجتماعی اقتضا می‌کند که «استخدام متقابل» برای رسیدن به تعادل منافع اعتبار گردد (اعتبار اجتماع).

حال این پرسش به میان می‌آید که با فطری بودن دو اصل «خوبی وفای به عهد» و «ناشایستگی پیمان شکنی»، چه نیازی به آموزه‌های دین بالاخص قرآن می‌باشد؟

پاسخ آن است که ناتوانی بشر در فقدان درک پاره‌ای از مصادیق «حسن و قبح اعمال» از یک سو و تعیین این مصادیق توسط دین از سوی دیگر است.

یکی از علت‌های اصلی ارسال رسل برای رفع اختلاف در همین حوزه چه در تشخیص مصادیق «حسن و قبح اعمال» و چه در منزلت اجرایی نمودن است که بشر در آن منازعات گسترده‌ای دارند. نقش دین چنان سرنوشت ساز است که تشخیص پاره‌ای از مصادیق «حسن و قبح» در حوزه حقوق معاهدات از شگفتی‌های قرآنی محسوب می‌گردد. بر اساس آموزه‌های وحیانی قلمرو حقوق و تعهدات ناشی از معاهدات، در دو ساحت ماهیت التزام و گستره زمانی و خطاب هستند.

حال به تحلیل فطری بودن «وفای به عهد» می‌پردازیم.

توضیح آنکه امور فطری بسیار روشنی مانند «حرمت شرک به خدای بزرگ و حقوق والدین و کشتن فرزندان از ترس فقر و ارتکاب کارهای شنیع و قتل نفس بدون حق» در آیه ۱۵۱ سوره انعام نام برده شده است که با معیار عقل سالم و اسیر نشده به وسیله هوس قادر به تشخیص آن است. «تکالیف پنج‌گانه در این آیه اموری روشن می‌باشند و با تعقل و اندیشه درباره آنها می‌توان به آنها پی برد (فخررازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۱۳/۱۸۰-۱۸۱؛ فضل‌الله، تفسیر من وحی القرآن، ۱۴۱۹: ۳۷۳/۹).

اما بنابر مفاد آیه ۱۵۲ سوره انعام امور فطری همانند «ایفای کیل و وزن و رعایت عدالت در گفتار و وفای به عهد خدا» وضوح دسته نخست را ندارند. کاربرد قید الله در عباراتی مثل «بِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا» که در کنار عهد معنایی جز این ندارد که خداوند سبحان به حفظ و وفای به آن امر کرده است و ظاهراً تقدیم (بِعَهْدِ اللَّهِ) بر (أَوْفُوا) از جهت اهتمام است نه تخصیص (ابن عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیرالکتاب العزیز، ۱۴۲۲: ۳۶۳/۲).

قید «الله» در ترکیب با کلمه «عهد» مانع از تعمیم معنای عهد نمی‌گردد و این گونه ترکیب‌ها به پیمان‌های میان مردم قابل انطباق است؛ مگر اینکه سیاق آیه بر پارۀ پیمان‌ها معنای آن را متعین کند. چنانکه در آخر این آیه در آیه ۹۱ سوره نحل: ﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾ «عهد» در این آیه شامل تمام پیمان‌های میان مردم و خداوند سبحان و میان خود مردم می‌گردد (سیدقطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۲۱۹۱/۴). در آیه ۱۵۲ سوره انعام تعبیر «لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» آمده است تا به تفاوت این دسته از امور فطری با دیگر امور فطری مندرج در آیه ۱۵۱ به روشنی اشاره گردد. این امور چهارگانه از خفای غامضی برخوردارند و ناچار درباره آنها اندیشه نیاز است تا این که انسان به وقوفی متعادل درباره آنها برسد (فخررازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۱۸۱-۱۸۰/۱۳؛ آلوسی، روح المعانی، ۱۴۱۵: ۲۹۹/۴؛ طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۴: ۳۷۸/۷)؛ زیرا اضافه شدن قید «لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» یادآور این نکته است که این امور فطری تبدلی نیستند (حویزی، التفسیر لکتاب الله المنیر، ۱۴۰۲: ۲۵۲/۳) «انسان در درک آنها علاوه بر عقل فطری به (تذکر) یعنی مراجعه به «مصالح و مفساد عمومی»، نیازمند است (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۴: ۳۷۸/۷) چنانکه مشاهده می‌گردد در این تفسیر تفاوت گذاشتن میان دو گونه امور فطری عمومیت دارد و گستره آن تمامی انسان‌ها را فرا می‌گیرد؛ زیرا استدلال بر اساس مشترکات تمام انسان‌ها (امور فطری) برای روشن ساختن تفاوت‌ها (معیارهایی گوناگونی مثل بهره‌گیری از عقل رها از هوس و مراجعه به مصالح و مفساد عمومی) ساخته و پرداخته گردیده است. مفسران به صراحت برای این امور وصف همه مکانی و همه زمانی قائل‌اند (نوی جاوی، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، ۱۴۱۷: ۳۵۵/۱).

ب. ارزش مداری قلمرو تعهدات بین‌المللی

از نظر قرآن، ارزش‌های اخلاقی در روابط قراردادی نقش مهم تعیین قلمرو تعهدات ناشی از پیمان‌ها را ایفا می‌کنند. این تأثیرگذاری در حوزه وفای به عهد وجود دارد. بدین توضیح که در اجرای مفاد «قاعده وفای به عهد» و ایفای کامل تعهدات، اخلاق نقش آفرین است. چارچوب اخلاقی تشریح شده در آیات وفای به عهد، تضمین عدالت تبادلی و روابط قراردادی است.



در تحلیل معناشناختی هر آیه مربوط به روابط قراردادی، میان الفاظ دال بر «وفای به عهد» و کلمات ارزشی، ارتباط مستحکمی مشاهده می‌گردد. از لوازم این ارتباط، وابستگی قاعده حقوقی به ارزش‌ها در قلمرو اجرای تعهدات است.

به عنوان نمونه در آیه ۴ سوره توبه ﴿إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَ لَمْ يَظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتَيْمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾، عبارت ارزشی «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»، با توجه به سیاق آیه و ریشه معنایی واژه تقوا، «ارتباط معناداری با ایفای کامل تعهدات (برآمده از فعل أَتَيْمُوا إِلَيْهِمْ) دارد.

زیرا از یکسو این واژه و مشتقات آن، در شعر و سنت عرب مفهوم اخلاقی دارد و از سوی دیگر، کاربردی قرآنی آن در آیات مربوط به بر روابط قراردادی، بر وفای به پیمان دلالت می‌نماید.

از نظر معنای لغوی، ماده «وقی» به معنای؛ «حفظ شی از هر چیز زیانبار» «دفع چیزی از چیز دیگری به باری و کمک دیگران»، «دفاع از خویشان» و «خوف و ترسیدن» به کار رفته است. از نظر متخصصان لغت شناس قرآنی، معنای جامع آن، همانا حفاظت از هر چیزی از نکوهیدنی‌های شرعی و عقلی و توجه به حق و پاک نمودن عمل در جریان قرار دادن آن در مسیر طبیعی معروف است» (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۹۸: ۱۳/۱۸۴).

اگر هسته اصلی معناشناختی کلمه «تقوا» در جاهلیت، دفاع از موجود زنده، جانور یا انسان در برابر نیروی خارجی است، با حفظ این معنا زیر نفوذ شدید میدان معناشناختی خاص قرآنی مرکب از تصورات وابسته به «ایمان» و یکتاپرستی (توحید)، پس از گذشتن از مرحله میانی «ترس زاهدانه از کیفر الهی در روز پاداش به معنای «زهد و پارسایی» خالص و محض پیدا کرد (قائمی‌نیا، بیولوژی نص، ۱۳۸۹: ۵۴۱، ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ۱۳۷۴: ۳۱۰-۳۰۸).

بنابراین اگر چه در تحلیل معنایی «تقوا» ناظر به صفات و حالات روحی هم می‌گردد، توجه به عمل بیرونی ناشی از آن به طور حتم اهمیت دارد. به عبارت روشن تر «تقوا» حتی در معنای وصف روحی و نفسانی می‌بایست منجر به احقاق حق در عمل (ادای حق بر ذمه انسان و یا تحصیل حق) می‌گردد. این همان رأی است که پاره‌ای از مفسران بر آن رفته‌اند (فضل‌الله، تفسیر من وحی القرآن، ۱۴۱۹: ۸۵/۴).

همچنین ماده «وفی» نیز در لغت به معنای ایفاء یعنی عمل را به اتمام رساندن و طبق وعده عمل کردن، تمام کردن، حفظ کردن است. معنای این لفظ در مقابل غدر یعنی پیمان شکنی و نقض پیمان است (طریحی، مجمع البحرین، ۱۴۰۸: ۳/۲۹۶؛ ۴/۵۲۹. ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۵: ۱۰/۲۱؛ ۳۵۸/۱۵).

البته در نظر اهل تحقیق، اصل در این ماده کامل کردن عمل به تعهدات ناشی از تکوین و یا تشریح و یا قرارداد عرفی است (مصطفوی، التحقیق فی کلمات قرآن الکریم، ۱۳۹۸: ۱۳/۱۶۱). به هر حال معنای کمال و اتمام کردن به مضمون عهد در این تحلیل‌های لغوی عنصر مشترک است.

در تحلیل‌های مفسران نیز عبارت «فَأْتِمُوا إِلَيْهِمْ» به معنای ادای تمام و کامل عهد است و روایت منقول از ابن عباس این معنا را تایید می‌کند (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۲/۲۴۷؛ زحیلی، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، ۱۴۱۸: ۱۰/۱۰؛ علوان نخجوانی، الفواتح الاهیة و المفاتح الغیبه، ۱۹۹۹: ۲۹۸؛ بیضاوی، انوار التنزیل، ۱۴۱۸: ۳/۷۱)؛ زیرا «خداوند ایفا کنندگان کامل به عهد را دوست دارد» (زحیلی، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، ۱۴۱۸: ۱۰/۱۰). همچنین درباره این رابطه وثیق آمده است که: «سپری کنید ایشان را پیمان ایشان تا کناره عهد ایشان بدرستی که خدا دوست دارد پرهیزگاران را از نقض عهد» (سورآبادی، تفسیر سورآبادی، ۱۳۸۰: ۲/۹۱۰).

یکی دیگر از آیاتی که بر رابطه وثیق عبارات ارزشی و وفای به عهد دلالت دارد، آیه ۷ سوره توبه است.

﴿كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾.

به همین ترتیب اگر عبارت فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ این آیه به ادای کامل عهد تفسیر گردیده است، عبارت «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ» به اجراکنندگان تعهدات ناشی از عهد برداشت شده است. (ابن عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیر، ۱۴۲۲: ۳/۹؛ زحیلی، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، ۱۴۱۸: ۱۰/۱۱۹؛ شوکانی، فتح القدر، ۱۴۱۴: ۲/۳۸۷، سیوطی، الدرالمنثور، ۱۴۰۴: ۳/۲۱۴).

چنان که ظاهر عبارات این تفاسیر نشان می‌دهد، اگر در قاعده حقوقی قلمرو کامل ایفای عهد تحقق نپذیرد با ارزش اخلاقی تعلیل کننده قاعده، پیوند معنایی برقرار نمی‌گردد. از نظر مفسران پیمان شکنی دارای دو مصداق است؛ نقض واقعی و پیمان شکنی مبتنی بر قرائن قطعی (نقض حکمی) هر دو آنها مبنای جواز قاعده اقدام متقابل را تشکیل می‌دهند (طوسی، پژوهشی تطبیقی در باب قاعده اقدام متقابل، ۱۳۹۸: ۲۰۹).

توازن حقوق و تکالیف (عدالت تبادلی) را از عبارت «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ» قابل برداشت است که با قید اخلاقی اثباتی «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ» به کار رفته است. توازن حقوق و تکالیف (عدالت تبادلی) را از عبارت «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ» قابل برداشت است که با قید اخلاقی اثباتی «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ» به کار رفته است.

این گونه عدالت در حوزه حقوق معاهدات با توجه به عنصر برابری به «تبادل منافع متوازن» مشهور است. به موجب آن هر کشور در قبال هر امتیاز که از کشوری اخذ می‌کند، امتیازی مشابه به آن کشور اعطا می‌کند (فلسفی، روش‌های شناخت حقوق بین الملل، ۱۳۷۰ ش: ۹۳). تقریر دیگر از این قاعده را می‌توان «تکلیف به ایفای تعهدات» نامید با این مفهوم حقوقی که هر گاه یکی از طرفین به تعهد خود وفا کند و دیگری چنین نکند، عملاً برابری مخدوش گردیده و دولتی که به تعهد خود عمل نکرده است برتری یافته است (فضائلی، اصل برابری در نظام ملل متحد، ۱۳۷۹: ۷۱).

از نظر مفسران تفاوتی درباره عبارت «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ» میان آیه و آیه ۴ در کار نیست جز این «که اتموا الخ مطلق است و این مقید و ما احتمال شرطیه مصدریه دارد» (کاشانی، خلاصه المنهج، ۱۳۷۳: ۲۳۴/۴). باز این که فراز «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ» مضمونی مشابه با «فَأَيُّمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مَدَّتِهِمْ» در آیه ۴ سوره توبه دارد با این تفاوت که آیه غیر مطلق است و آیه قبلی قید زمانی دارد (بعضی‌ها مقید به چند ماه).

حال پرسش این است که عبارت ارزشی «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ» تعلیل حکم «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ» چه نوع تعلیلی است و در استنباط چه منزلتی دارد؟

در آیه ۷ سوره توبه رعایت عهد تا زمانی مجاز است که از سوی مشرکان متعاقد رعایت گردد. این قید زمانی و شرطی از تحلیل کلمه «ما» در آیه بدست می‌آید. زیرا این کلمه در تحلیل نحوی حرف مصدری ظرف زمانی است که البته متضمن معنای شرط می‌باشد (فیض کاشانی، تفسیر صافی، ۱۴۱۵: ۲۸۷/۱۰).

بر همین مبنا بسیاری از مفسران «ما» در این آیه را شرطیه می‌دانند (کاشانی، خلاصه المنهج، ۱۳۷۳: ۲۳۴/۴).

با این تحلیل از مفهوم مخالف عبارت «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ» می‌توان مشروعیت نقض عهد را استنباط کرد. چنان که در سیره نبوی بر اساس روایت‌های منقول از السدی و ابن إسحاق و الکلبی به هنگامی که مشرکان به قبیله خزاعه علیه کثرت هم پیمان مسلمانان کمک کردند و نقض عهد کردند حضرت رسول اکرم ﷺ نیز پیمان را شکستند (ثعلبی نیشابوری، الکشف والبیان عن تفسیر القرآن، ۱۴۲۲: ۱۴/۵؛ قاسمی، محاسن التاویل، بی تا: ۳۵۷/۵) برخلاف حقوق بین الملل، در دیدگاه مفسران «نقض ابتدایی» تنها مصداق مشروع دولت‌ها بر اساس آن می‌تواند قواعد ناشی از معاهدات خود با دیگر کشورها را اجرا نمایند (Tousi et al, 2019).

بعضی به طور مطلق به نقض کنندگان پیمان اشاره کرده‌اند (فیض کاشانی، الاصفی فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۸/۲: ۳۲۳؛ سبزواری، إرشاد الأذهان إلى تفسیر القرآن، بی تا: ۱۹۳). اگر عبارت «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ» این آیه به ادای کامل عهد تفسیر گردیده، عبارت «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» به اجرا کنندگان تعهدات ناشی از عهد برداشت شده است (ابن عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، ۱۴۲۲: ۹/۳؛ زحیلی، التفسیر المنیر، ۱۴۱۸: ۱۱۹/۱۰؛ شوکانی، فتح القدر، ۱۴۱۴: ۳۸۷/۲؛ سیوطی، الدر المنثور، ۱۴۰۴: ۳/۲۱۴).

پیمان شکنی در چارچوب اخلاق

در پاره‌ای از آیات مانند بقره/ ۱۹۴ «... فَمَنْ اَعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» جواز امر مقابله به مثل یا همان نقض متقابل مشروط به تحقق تجاوز پیشین از سوی طرف عهد تشریح شده است.

در این آیه هم برای تجاوز نخست و هم برای نقض متقابل از کلمه «اعتدا» استفاده شده است ولی نمی‌توان هر دو را به معنای تعدی و تجاوز دانست. از نظر مفسران کاربرد کلمه «اعتدا» ی نخست یعنی پیمان شکنی ماهیتی کاملاً متفاوت با اعتدای دوم (پیمان شکنی برای مقابله تجاوز پیشین) دارد (شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹: ۱۵۰/۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۵۱۴/۲) و به طور حتم بر عدم زیادت در مقابله دلالت دارد (قاسمی، محاسن التاویل، بی تا: ۶۱؛ ثعلبی، الکشف و البیان، ۱۴۱۸: ۱/۴۰۳؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۱/۲۳۷؛ طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۱۱۶/۲؛ لاهیجی؛ تفسیر شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۱/۱۸۰). بر همین اساس برای جلوگیری از تجاوز در مقابله به مثل بر جزئیات این رفتار عادلانه نیز تاکید گردیده است (طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ۱۳۷۷: ۵۱۴/۲).

در این دیدگاه بار منفی و معنایی «مقابله با نقض» با امر بر تساوی (مثلیت) زوده گردیده است. «.... مجازات ظلم ظالم باید مثل آن باشد، نه بیشتر، که در این صورت عملی است پسندیده و گرنه عمل زشتی خواهد بود.» (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۴/۲۲۹؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۲۷/۶۰۵).

همچنین این گونه نقش مبنای اخلاقی را می‌توان در آیه ۸ سوره مائده «... وَ لَا یُجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَیْ اَلَّا تَعْدِلُوْا اَعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی» برداشت کرد:

در این آیه شریفه هردو ارزش قرآنی عدالت و تقوی به مثابه چارچوب رفتارهای مسلمانان با طرف عهد مقرر گردیده است یکی از مصادیق نهی از دشمنی نامشروع در نظریه تفسیری پاره مفسران نقض عهد است (فیض کاشانی، تفسیر صافی، ۱۴۱۵: ۱/۲۶۶).



چنان که مفسران در تفسیر فراز دوم آیه ﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ ۤأَلَّا تَعْدِلُوۡا﴾ یا «عهد» را موضوع اصلی آیه و یا یکی از مصادیق موضوع و یا فراتر از موضوع «شهادت دادن» تفسیر کرده‌اند (کاشانی، خلاصه المنهج، ۱۳۷۳: ۳/۱۹۹؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۱/۶۱۲؛ طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۹/۱۵۰؛ فیض کاشانی، تفسیر صافی، ۱۴۱۷: ۲/۱۲۴؛ بیضاوی، انوار التنزیل، ۱۴۱۸: ۲/۱۱۷؛ لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۱/۶۲۲).

ارزش حقوقی «عدالت» در این آیه به چند قسم چارچوب موضوع «عهد» قرارداد شده است. زیرا اولاً در فراز دوم جمله «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ... عَلَىٰ ۤأَلَّا تَعْدِلُوۡا» (منع عدالت نورزیدن) به صورت سلبی انشاء گردیده است که پاره‌ای از مفسران آن را امر به عدالت تفسیر کرده‌اند (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۱/۶۱۲؛ طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۹/۱۵۰؛ فیض کاشانی، تفسیر صافی، ۱۴۱۷: ۲/۱۲۴؛ بیضاوی، انوار التنزیل، ۱۴۱۸: ۲/۱۱۷).

ثانیاً فراز دوم آیه ﴿اعْدِلُوۡا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی﴾ ضمیر «هو» به مفهوم کلی عدالت بازگشت می‌کند (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۵/۲۳۷؛ شوکانی، فتح القدير، ۱۴۱۴: ۲/۲۴).

این فراز به صراحت همبستگی معنایی و اخلاقی این دو ارزش بیان می‌دارد و هر دو را به مثابه چارچوب موضوع عهد در قبال مشرکان متعاهد بیان کرده است (بیضاوی، پیشین) به هر حال در روابط اجتماعی از جمله در موضوع پیمان نمی‌بایست حتی در زمانی که طرف مقابل کینه ورزی نیز داشته است بر خلاف اقتضای حق رفتاری را داشت.

ج. نتیجه

در دیدگاه مفسران، حقوق معاهدات بر خلاف نظریه حقوقی، مبنای مشروعیت و منشأ الزام قواعد حقوقی، آمیخته با مفاد و محتوایی اخلاقی است؛ زیرا در نظریه قرآنی، «حسن وفای به عهد» و قبح «پیمان شکنی» (دو قاعده بنیادین حقوق معاهدات) اموری فطری هستند. بدین معنا که مفاد آنها در همه زمان‌ها و مکان‌ها یکسان است. بنابر دیدگاه و حیانی، ارزش‌های حقوقی تعلیل‌کننده قاعده وفای به عهد در حقوق معاهدات هستند و ایفای کامل را مقرر می‌دارند. علاوه بر این در حوزه پیمان شکنی مشروع (قاعده مقابله به مثل)، عدالت، یکی از ارزش‌های حقوقی حاکم بر تعیین قلمرو تعهدات بین‌المللی است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: مهدی الهی قمشاهی، نشر الهادی، قم: ۱۳۸۸.
۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۵ ق.
۳. ابن جزی غرناطی، محمد بن علی، کتاب التسهیل لعلوم التنزیل، دارالارقم بن ابی الارقم، بیروت: ۱۴۱۶ ق.
۴. ابن جوزی، جمال الدین ابی الفرج عبدالرحمن، نزهة الأعين النواظر فی علم الوجوه و النظائر، تحقیق: محمد عبدالکریم کاظم الراضی، مؤسسة الرسالة، بیروت: ۱۴۰۷ ق.
۵. ابن عاشور، محمد بن الطاهر، التحرير و التنوير، بی نا، بی جا: بی تا.
۶. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، محقق: عبدالسلام عبدالشافی، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۲۲.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، نشر ادب حوزة، قم: ۱۴۰۵ ق.
۸. ابن هائم، شهاب الدین احمد بن محمد، التبیان فی تفسیر غریب القرآن، بیروت: دارالغرب الإسلامی، ۱۴۲۳.
۹. امید، مسعود، فلسفه اخلاق در ایران معاصر، نشر علم، تهران: چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۱۰. ایزوتسو، توشیهیکو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه: احمد آرام، نشر فرهنگ، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۱. بغدادی، علاء الدین، لباب التأویل فی معانی التنزیل، (تفسیر خازن)، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، داراحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۱۸ ق.
۱۳. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۲۲ ق.
۱۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دوره مبسوط در ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران: ۱۳۸۸ ش.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، فطرت در قرآن تفسیر موضوعی قرآن، اسراء، قم: ۱۳۷۸ ش.
۱۶. حاجی ده آبادی، احمد، جبران خسارت بزهدیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی، پژوهشگاه



- فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران: ۱۳۸۸ ش.
۱۷. حقی بروسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، دارالفکر، بیروت: بی تا.
۱۸. حکمت نیا، محمود، مبانی مالکیت فکری، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران: ۱۳۸۹ ش.
۱۹. حویزی، محمد، التفسیر لکتاب الله المنیر، چاپخانه علمیه، قم: ۱۴۰۲ ق.
۲۰. خسروپناه، عبدالحسین، رابطه دین و اخلاق در قرآن، مجله اخلاق و حیانی، ش ۱، پاییز ۱۳۹۱ ش.
۲۱. رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد: ۱۴۰۸ ق.
۲۲. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الشامیه، بیروت: ۱۴۱۲ ق.
۲۳. رشاد، علی اکبر، «فطرت به مثابه دالّ دینی»، نشریه قیسات، ش ۳۶، ۱۳۸۴ ش.
۲۴. زحیلی، وهبه بن مصطفی، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، دارالفکر المعاصر، بیروت: ۱۴۱۸ ق.
۲۵. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل، دارالکتاب العربی، بیروت: ۱۴۰۷ ق.
۲۶. سراج زاده، حسن، «موضوع شناسی گزاره های اخلاقی»، مجله اخلاق، ش ۲۵، ۱۳۹۰ ش.
۲۷. سوراآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، تفسیر سوراآبادی، فرهنگ نشر نو، تهران: ۱۳۸۰ ش.
۲۸. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم: ۱۴۰۴ ق.
۲۹. شاه آبادی، محمدعلی، الانسان و الفطره در رشحات البحار: نهضت زنان مسلمان، تهران: بی تا.
۳۰. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح: صبحی صالح، هجرت، قم: ۱۴۱۴.
۳۱. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدر، دار ابن کثیر/ دار الکلم الطیب، دمشق/ بیروت: ۱۴۱۴ ق.
۳۲. علوان نجوانی، نعمت الله بن محمود، الفواتح الإلهیة و المفاتح الغیبیة: الموضحه للكلم القرآنیة و الحکم الفرقانیة، دار رکابی للنشر، مصر: ۱۹۹۹ م.
۳۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: ۱۴۱۷.
۳۴. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، انتشارات دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۷۷ ش.
۳۵. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران: ۱۳۷۲.
۳۶. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت: ۱۴۱۲ ق.
۳۷. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين و مطلع النیرین، تحقیق: سید احمد حسینی، الثقافه

- الاسلاميه، قم: ۱۴۰۸ ق.
۳۸. طنطاوی، سید محمد، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، بی نا، بی جا، بی تا.
۳۹. طوسی (شیخ)، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق و تصحیح: أحمد حبیب قصیر العاملی، مکتب الإعلام الإسلامی، بیروت: ۱۴۰۹ ق.
۴۰. طوسی، حمیدرضا، «استحکام قاعده وفای به عهد در معاهدات بین المللی از منظر قرن آن کریم»، مجله قرآن و علم، شماره ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ ش.
۴۱. —، «پژوهشی تطبیقی در باب قاعده اقدام متقابل بر اساس آیه ۵۸ سوره انفال»، مجله آموزه های قرآنی، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۳۹۸ ش.
۴۲. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، قم: ۱۴۱۹ ق.
۴۳. فخر رازی، فخرالدین محمد، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
۴۴. فضائلی، مصطفی، «اصل برابری در نظام ملل متحد»، پژوهش های فلسفی - کلامی، ش ۳، بهار ۱۳۷۹.
۴۵. فضل الله، سید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، دار الملائک للطباعة و النشر، بیروت: ۱۴۱۹ ق.
۴۶. فلسفی، هدایت الله، «روش های شناخت حقوق بین الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۹، بهار و تابستان ۱۳۷۰ ش.
۴۷. فیض کاشانی، ملامحسن، الأصفی فی تفسیر القرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم: ۱۴۱۸ ق.
۴۸. —، تفسیر صافی، انتشارات الصدر، تهران: ۱۴۱۵.
۴۹. قاسمی، محمد جمال الدین، محاسن التأویل، دارالکتاب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بیروت: بی تا.
۵۰. قائمی نیا، علیرضا، بیولوژی نص، نشانه شناسی و تفسیر قرآن، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم: ۱۳۸۹ ش.
۵۱. قربان نیا، ناصر، «قرانت های گوناگون از حقوق طبیعی»، مجله فقه و حقوق، ش ۱، تابستان ۱۳۸۳ ش.
۵۲. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران: ۱۳۶۴.
۵۳. قطب، سید بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، دار الشروق، بیروت: ۱۴۱۲ ق.
۵۴. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت سهامی انتشار، تهران: چاپ دوم، ۱۳۷۹ ش.
۵۵. کاشانی، ملافتح الله، خلاصة المنهج، انتشارات اسلامی، تهران: ۱۳۷۳ ش.



۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الاصول من الکافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیة، تهران: ۱۳۶۳.
۵۷. لاهیجی، محمد، تفسیر شریف لاهیجی، دفتر نشر داد، تهران: ۱۳۷۳ ش.
۵۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، موسسه الوفاء، بیروت: چاپ ۴، ۱۴۰۴ ق.
۵۹. مصباح یزدی، محمدتقی، «دین و اخلاق»، معرفت، ش ۱۳، پاییز ۱۳۸۷.
۶۰. —، فلسفه اخلاق، شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران: ۱۳۸۷.
۶۱. —، نظریه حقوقی اسلام، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته، قم: ۱۳۸۹.
۶۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۹۸ ق.
۶۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران: ۱۳۸۹ ش.
۶۴. موحد، محمدعلی، در هوای حق و عدالت، از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، نشر کارنامه، تهران: ۱۳۸۱ ش.
۶۵. نووی جاوی، محمد بن عمر، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، دارالکتب العلمیة، بیروت: ۱۴۱۷.

66. Aspremont, J, The Foundations of the International Legal Order, 18 Finnish Yearbook of International Law, 2007.
67. Charney JI, Universal international law, 87 Am J Int Law, 1993
68. Gilbey. Principality and Polity Aquinas and the Rise of State Theory in the West, London: Longman, Green, 1958.
69. Goldsmith Jack L. and Posner Eric, The Limits of International Law, Oxford University Press, 2005
70. Preuss, Ulrich K. Equality of States - Its Meaning in a Constitutionalized Global Equality of States, Chicago Journal of International Law, vol 9, no1, 2008.
71. Tousi, Hamid Reza, Jazayeri, Seyyed Hamid, Sajed, Seyyed Hossein, The Fundamental Change of Circumstances from the Viewpoint of the Shi'ite and Sunni Exegesis, Volume 12, Numbers 1-2, Winter-Spring 2019.



References

1. The Holy Quran, Translated by Mehdi Elahi-Qomshaei, Al-Hadi Publications, 2009.
2. Alusi, Seyyed Mahmoud, *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azeem*, Research: Ali Abd al-Bari Attiyah, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: 1415 A.H.
3. Aspremont, J, *The Foundations of the International Legal Order*, 18 Finnish Yearbook of International Law, 2007.
4. Baghdadi, Aladdin, *Lubab al-Ta'wil fi Ma'ani al-Tanzil*, (Tafsir Khazin), Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1415 A.H.
5. Beyzawi, Abdullah bin Omar, *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: 1418 AH.
6. Charney JI, *Universal international law*, 87 Am J Int Law, 1993
7. Fadaeli, Mustafa, "The Principle of Equality in the United Nations System", *Philosophical-Theological Researches*, Volume 3, Spring 2019.
8. Fakhr Razi, Fakhruddin Muhammad, *Mafatih al-Ghayb (The Keys of Hidden World)*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: 1420 A.H.
9. Falsafi, Hidayatullah, "Methods of Understanding International Law", *Journal of Legal Research*, Vol. 9, Spring and Summer 2019.
10. Fayz Kashani, Mulla Muhsin, *Al-Asfa fi Tafsir al-Quran*, Publishing Center of Islamic Preaching Office, Qom: 1418 AH.
11. Fayz Kashani, Mulla Muhsin, *Tafsir Safi*, Al-Sadr Publications, Tehran: 1415.
12. Fazil Miqdad, Miqdad bin Abdullah, *Kanz al-Irfan fi Fiqh al-Quran (Treasure of Knowledge in Quranic Jurisprudence)*, World Assembly of Approximation of Islamic Sects, Qom: 1419 A.H.
13. Fazlullah, Seyyed Muhammad Hossein, *Tafsir min Wahy Al-Quran*, Dar al-Malak for Printing and Distribution, Beirut: 1419 AH.
14. Gilbey. *Principality and Polity Aquinas and the Rise of State Theory in the West*, London: Longman, Green, 1958.

15. Goldsmith Jack L. and Posner Eric, *The Limits of International Law*, Oxford University Press, 2005
16. Hajidehabadi, Ahmad, *Compensation for the Damage Suffered at the Expense of the Government and Public Institutions*, Research Institute of Islamic Culture and Thought, Tehran: 2009.
17. Haqqi Brosavi, Ismail, *Tafsir Ruh al-Bayan*, Dar al-Fikr, Beirut: n.d.
18. Hekmatnia, Mahmoud, *Fundamentals of Intellectual Property*, Research Institute of Islamic Culture and Thought, Tehran: 2010.
19. Huwayzi, Muhammad, *Al-Tafsir for the Divine Lightening Book*, Ilmiyyah Press, Qom: 1402 AH.
20. Ibn Ashur, Muhammad ibn al-Tahir, *al-Tahrir wa al-Tanwir*, n.p., N.p.: n.d.
21. Ibn Atiyyah, Abdul Haq bin Ghalib, *Al-Murrar al-Awjiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz*, Research: Abd al-Salam Abd al-Shafi, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: 1422.
22. Ibn Haim, Shahab al-Din Ahmad bin Muhammad, *Al-Tibyan fi Tafsir Gharib al-Quran*, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami, 1423.
23. Ibn Jawzi, Jamal al-Din Abi al-Faraj Abd al-Rahman, *Nujhah al-A'yun al-Nawazir in the Science of Aspects and Analogies*, Research: Muhammad Abd al-Karim Kazim al-Razi, Al-Risalah Foundation, Beirut: 1407 A.H.
24. Ibn Jazzi Gharnati, Muhammad bin Ali, *Kitab al-Tasheel li Ulum al-Tanzil (Book of Sciences of Revelation Made Esas)*, Dar al-Arqam bin Abi al-Arqam, Beirut: 1416 AH.
25. Ibn Manzoor, Muhammad bin Mukarram, *Lisan al-Arab (The Language of the Arabs)*, Adab Hawzhah Publications, Qom: 1405 AH.
26. Izutsu, Toshihiko, *God and Man in the Quran*, Translated by Ahmad Aram, Farhang Publications, Tehran: 1995.
27. Ja'fari Langroudi, Muhammad Jaafar, *Extended Course in Legal Terminology*, Ganj Danish, Tehran: 2009.
28. Javadi Amoli, Abdullah, *Innate in the Quran, The Thematic Interpretation of the Quran*, Esra, Qom: 1999

29. Kashani, Mullah Fathollah, Summary of Method, Islamic Publications, Tehran: 1994.
30. Katouzian, Nasir, *Introduction to the Science of Law and Study in Iran's Legal System*, Joint-Share Company, Tehran: 2nd Edition, 2000.
31. Khosropanah, Abdul Hossein, The Relationship between Religion and Ethics in the Quran, Revelatory Ethics Journal, No. 1, Fall 2011.
32. Kulayni, Muhammad bin Ya'qub bin Ishaq, Al-Usul from Al-Kafi, Correction and Commentary: Ali Akbar Ghaffari, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 1984.
33. Lahiji, Muhammad, Tafsir Sharif Lahiji, Dad Publications, Tehran: 1994.
34. Majlisi, Muhammad Baqir, Bihar al-Anwar (The Oceans of Light), Al-Wafa Institute, Beirut: 4th Edition, 1404 AH.
35. Misbah Yazdi, Muhammad Taghi, "Religion and Ethics", Ma'rifat, Vol. 13, Fall 2008.
36. Misbah Yazdi, Muhammad Taqi, Islamic Legal Theory, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom: 2019.
37. Misbah Yazdi, Muhammad Taqi, Philosophy of Ethics, International Publishing Company, Tehran: 2017.
38. Mostafavi, Hassan, Tahqiq fi Kalamat al-Quran al-Karim, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Tehran: 2019 AD.
39. Mowahhid, Muhammad Ali, In the Spirit of Right and Justice, From Natural Rights to Human Rights, Karnameh Publications, Tehran: 2002.
40. Mutahhari, Murtaza, Collection of Works, Sadra Publications, Tehran: 2010.
41. Nawawii Jawi, Muhammad bin Omar, Marah Labid li Kashf the Meaning of the Holy Quran, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: 1417.
42. Omid, Masoud, Moral Philosophy in Contemporary Iran, Ilm publication, Tehran: 1st Edition, 2009.
43. Preuss, Ulrich K. Equality of States - Its Meaning in a Constitutionalized Global Equality of States, Chicago Journal of International Law, vol 9, no1, 2008.
44. Qaemina, Alireza, Text Biology, Semiotics and Quran Interpretation, Islamic Culture and Thought Research Center, Qom: 2010.



45. Qasimi, Muhammad Jamaluddin, Mahasin al-Ta'wil, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Muhammad Ali Bayzone Publications, Beirut: n.d.
46. Qurbania, Nasir, "Different Comprehensions of Natural Law", Jurisprudence and Law Journal, Vol. 1, Summer 2013.
47. Qurtubi, Muhammad bin Ahmad, Al-Jame'li Akham al-Quran, Nasir Khosrow Publications, Tehran: 1985.
48. Qutub, Seyyed bin Ibrahim Shazli, Fi Zilal al-Quran (In the Shadows of the Quran), Dar al-Shuruq, Beirut: 1412 AH.
49. Raghīb Isfahani, Al-Mufrdat fi Gharib al-Quran (Quranic Unpopular Words Dictionary), Dar al-Alam al-Shamiyyah, Beirut: 1412 AH.
50. Rashshad, Ali Akbar, "Nature as a Religious Sign", Qabasat Journal, No. 36, 2005.
51. Razi, Hossein bin Ali, Rawz al-Jinan and Ruh al-Jinan, Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation, Mashhad: 1408 AH.
52. Shahabadi, Muhammad Ali, Al-Insan and al-Fitrah in Rashahat al-Bahar,: Muslim Women's Movement, Tehran: n.d.
53. Sharif Razi, Muhammad bin Hossein, Nahj al-Balaghah, Edited by Sobhi Salih, Hijrat, Qom: 1414.
54. Shawkani, Muhammad bin Ali, Fath al-Qadir, Dar Ibn Kathir/Dar al-Kalam al-Tayyib, Damascus/Beirut: 1414 A.H.
55. Sheikh Alwan Nakhjawani, Nematullah bin Mahmoud, Al-Fawath Al-Ilahiyyah and al-Mafatih al-Ghaibiyah: Explaining the Quranic Words and Wisdom, Dar Rekabi Publications, Egypt: 1999.
56. Sirajzadeh, Hassan, "Thematics of Moral Propositions", Ethical Journal, Vol. 25, 2016.
57. Sourabadi, Abu Bakr Atiq bin Muhammad, Tafsir Sourabadi, Now Publications, Tehran: 2001.
58. Suyuti, Jalal al-Din, Al-Durr al-Manthur fi Tafsir al-Mathur, Ayatullah Mara'shi Library, Qom: 1404 A.H.
59. Tabari, Abu Ja'far Muhammad bin Jarir, Jame' al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Dar al-Ma'rifah, Beirut: 1412 AH.

60. Tabarsi, Abu Ali Fazl bin Hasan, *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, Nasir Khosrow Publications, Tehran: 1993.
61. Tabarsi, Abu Ali Fazl bin Hasan, *Tafsir Jawame' al Jame'*, Tehran University Press, Tehran: 1998.
62. Tabatabaei, Seyyed Muhammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Islamic Publications Office of the Qom Seminary Community, Qom: 1417.
63. Tantawi, Seyyed Muhammad, *Al-Tafsir al-Wasit for the Holy Quran*, n.p., N.p., n.d.
64. Tha'labi Neyshabouri, Abu Ishaq Ahmad bin Ibrahim, *Al-Kashf wa al-Bayan on Tafsir al-Quran*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: 1422 A.H.
65. Toosi, Hamidreza, "Comparative Research on the Principle of Reciprocity Based on Verse 58 of Surah Anfal", *Journal of Quranic Teachings*, No. 29, Spring and Summer 2010.
66. Tousi, Hamid Reza, Jazayeri, Seyyed Hamid, Sajed, Seyyed Hossein, *The Fundamental Change of Circumstances from the Viewpoint of the Shi'ite and Sunni Exegesis*, Volume 12, Numbers 1-2, Winter-Spring 2019.
67. Turayhi, Fakhruddin, *Majma' al-Bahrayn wa Matla' al-Nayrayn*, Research: Seyyed Ahmad Hosseini, Al-Thaqafah al-Islamiyya, Qom: 1408 AH.
68. Tusi (Sheikh), Muhammad bin Hasan, *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran*, Research and Editing: Ahmad Habib Qasir al-Amili, Islamic Education School, Beirut: 1409 A.H.
69. Tusi, Hamidreza, "Strengthening the Principle of Keeping the Covenant in International Contracts from the Perspective of the Holy Quran", *Quran and Science Journal*, No. 23, Autumn and Winter 2018.
70. Zamakhshari, Mahmoud bin Umar, *Al-Kashshaf an Haqaiq Ghawamidh al-Tanzil wa Uyun al-Aqawee fi Wujuh al-Ta'wil (Discovering the Realities of the Ambiguity of the Revelation and the Origins of the Narrations Concerning Aspects of Hermeneutics)*, Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: 1407 AH.
71. Zuhayli, Wabbah bin Mustafa, *al-Tafsir al-Munir fi al-Aqedah wa al-Shariah wa al-Manhaj*, Dar al-Fikr al-Mu'asir, Beirut: 1418 AH.